

هنجارگریزیه‌های غیرمجاز وزنی به عنوان یک ویژگی سبکی در قصاید و غزلیات عطار نیشابوری

دکتر حسین وثوقی

دانشگاه تربیت معلم، تهران

۱- مقدمه

ویژگی‌های سبکی سروده‌های یک شاعر را می‌توان در کاربرد مکرر پاره‌ای از عناصر زبانی، صناعتی و وزنی اشعار او جستجو کرد. اشعار عطار مملو از مشخصه‌های معنایی، کلامی، صناعتی و وزنی است که سروده‌های او را سرشار از جنبه‌های سبکی و ویژگی‌های خاص می‌سازند. در اینجا تنها به یکی از مشخصه‌های محدود اما در عین حال چشمگیر عروضی اشعار وی می‌پردازیم که عبارت است از "هنجارگریزیه‌های وزنی غیرمجاز" و آن را در چهارچوب زیانشناختی مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

"هنجارگریزیه‌های غیرمجاز وزنی" پدیده‌ها یا عناصری از ترکیب و فرم‌های وزنی قصاید و غزلیات عطار هستند و اینها جزو آن دسته از "هنجارگریزیه‌های وزنی مجاز" که کاربرد آنها در محدوده اختیارات شاعر است، قرار نمی‌گیرند عطار نه تنها از اختیارات شاعری خود، همانند سایر شعرا، استفاده لازم را به عمل آورده، بلکه آنها را با

گشاده‌دستی و فراوانی به کار گرفته و می‌توان اذعان داشت که بیش از سایر شعرا در این کار اصرار ورزیده است. عطار حتی از این حد هم فراتر رفته و بی‌محابا به استفاده از ناهنجاریهای غیرمجاز وزنی نیز دست یازیده است. با وجود افراط در وزن‌های غیرمجاز، عطار این پدیده خاص ناهنجار را چنان ماهرانه، هنرمندانه و شاعرانه در تار و پود ابیات خود تنیده که نه تنها خللی به مفاهیم بیان و زیبایی کلام و جذبه‌های عرفانی او وارد نشده بلکه به شیوه‌ای مسحورکننده با عبارتهای متناقض نما (یا پارادوکسها)ی فراوان مانند: هستی در نیستی، فنا اندر بقا، محو در اثبات، گم شدن در گم شدن، دیوانه فرزانه و نظیر آنها چنان هماهنگی و سازش پیدا کرده که آمیزه‌های بسیار بدیع و ترکیبات دلنشینی را از لفظ و معنا (یعنی تناقض و ناهنجاری ظاهری) به وجود آورده است که برخلاف عناوین منفی آنها به واقع نه متناقض هستند و نه ناهنجار بلکه جذبه‌های فکری، نکته‌های حیرت‌انگیز و مفاهیم بیهت آفرینی هستند که اشعار او را مالا مال از تعبیرات عارفانه و عمیق ساخته‌اند.

عطر دلنشین مفاهیم عرفانی عبارتهای مهمل نما (پارادوکسی) با موسیقی اوزان آغشته به ناهنجاریهای غیرمجاز وزنی چنان عجین شده‌اند که باده سرمست‌کننده و عرفانی سکرآوری را به کام عاشقان شناخت و معرفت و فضل و سلوک فرو می‌ریزد. عطار خود فرزندگان طالب شناخت را چنین توصیه می‌کند:

در آشامید دریا‌های اسرار ز جام نیستی در صورت هست

و در جای دیگر این چنین به جان نثاری و ستایش آنان می‌پردازد:

شادی به روزگار شناسندگان مست جانها فدای مرتبه نیستان هست!

و بالاخره برای این که خود را به آنها شناسانده باشد، با صدایی رسا و بیانی صریح،

دین و آیین خود را به آنها چنین معرفی می‌نماید:

گم شدن در گم شدن دین من است نیستی در هستی آئین من است

۲- هدف

منظور از مقاله حاضر بررسی گونه‌هایی از خصوصیات وزنی است که در اوزان اشعار عطار به کرات به کار گرفته شده است. میزان فراوانی آنها به حدی است که

می‌تواند یکی از ویژگیهای سبکی شعر عطار محسوب گردد. این خصوصیات انحرافاتی است از اوزان معمول و مستعمل اشعار فارسی و خارج از اختیارات شاعری. برخی از اختیارات شاعری که شاعر در وزن‌ها به کار می‌گیرد عبارتند از امکان حذف همزه، تغییر در کیفیت مصوتها، تغییر هجای کوتاه به بلند و بالعکس، قلب هجای کوتاه و بلند مجاور و بالعکس، جانشینی یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه، عدم برابری وزنی یکی از ارکان مصراع اول بیت با رکن متناظر آن در مصراع دوم که انواعشان مشخص شده است. کاربرد صامت "ن" یا بعضی صامتهای دیگر در پایان هجای کشیده و ساقط بودن آن از تقطیع عروضی و نظایر آن.

لکن در ناهنجاریهای وزنی غیرمجاز، شاعر عناصری را به کار می‌گیرد که نه تنها از تقطیع ساقطاند بلکه به تلفظ هم در نمی‌آیند و چنانچه تلفظ شوند روال موسیقایی شعر را مخدوش می‌سازند و موجب اختلال فاحش در وزن آن می‌گردند، یا این که ارکان متناظر دو مصراع نسبت به هم دارای وزنهایی متفاوت می‌شوند که البته غیر از اوزانی است که در اختیارات شاعری مجاز دانسته شده است. گاهی به خاطر ساخت کلام، هنجارگریزی خاصی در وزن شعر پدید می‌آید و زمانی به خاطر وزن شعر، ساخت دستوری یک ترکیب زبانی به هم ریخته می‌شود که باز هم غیرمجاز است.

۳- شیوه بررسی

در این بررسی ابتدا دیوان کامل عطار نیشابوری را مورد مطالعه دقیق قرار می‌دهیم و ابیاتی را که احتمال برخورداری از نوعی اختلال وزنی یا هنجارگریزی وزنی غیرمجاز دارد استخراج می‌کنیم. آنگاه در مرحله دوم، آن دسته ابیاتی را که از هنجارگریزیهای وزنی منطبق با اختیارات شاعری برخوردار بوده‌اند از لیست مورد بررسی جدا کرده و کنار می‌گذاریم. آنچه باقی می‌ماند ابیاتی است که حاوی نوعی هنجارگریزی وزنی غیرمجاز است. این ابیات به عنوان پیکره برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرند.

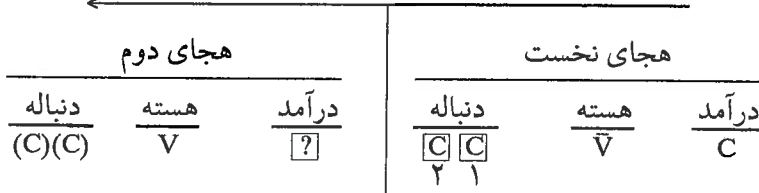
اکنون مسأله مهم این است که آیا "هنجارگریزیهای وزنی غیرمجاز" می‌توانند نظام‌مند بوده و دارای فراوانی چشمگیر باشند که بتوان آنها را نوعی ویژگی سبکی اشعار

عطار به حساب آورد یا نه؟ برای رسیدن به پاسخ این مسأله به تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای در مورد خصوصیات مشترک و مکرر هنجارگریزهای غیرمجاز می‌پردازیم و براساس معیارهای زبانشناختی از تعمیم خصوصیات مشابه، مشخصه‌های غیرمجاز وزنی را به پنج الگوی کلی طبقه‌بندی و تنظیم می‌کنیم که هر کدام از این الگوها از خصوصیات مشترک یک تعداد رخداد‌های مکرر عینی و نظام مند اختلافات وزنی کلیت یافته است. اینک، هر یک از آنها را به ترتیب در قسمتهای زیر مورد توصیف قرار می‌دهیم.

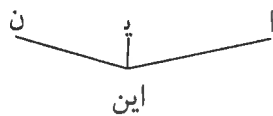
۴- توصیف انواع الگوهای هنجارگریزی وزنی غیرمجاز

۴-۱ الگوی نخست: در الگوی هنجارگریزی غیرمجاز نوع اول، هجایی داریم که در قسمت دنباله خود دارای یک خوشه دو صامتی است که پیش از هجای دیگری قرار گرفته است که قسمت درآمد آن را یک همزه / ? / اشغال می‌کند. این دو هجای متوالی را از راست به چپ (یعنی هم سوی خط فارسی) در زیر نشان می‌دهیم:

شکل ۱: نمودار توالی دو هجا، شامل ناهنجاری وزنی



(از عبارت: یکی است این)



در نمودار بالا C نشانه صامت، V نشانه مصوت و خط پیکان نمودار جهت حرکت هجای فارسی می‌باشد. صامتهایی که در اثر وجود عامل هنجارگریزی هنگام قرائت شعر در معرض تغییرات اجباری قرار می‌گیرند، به طور قراردادی در خانه‌های مربعی شکل آورده شده‌اند، و هلالها در اطراف دو صامت هجای دوم یعنی (C)(C) علامت

اختیاری بودن کاربرد آنها است که ممکن است در دنباله ساخت هجای دوم وجود داشته باشند یا وجود نداشته باشند و یا یکی از آنها در دنباله هجای دوم دهد. خط تیره بلند بر روی مصوت / \bar{v} / نشانه بلند بودن آن است. یعنی یکی از مصوتهای بلند فارسی از نوع / \hat{a} /، / u / یا / i / هسته هجای نخست را اشغال می‌کند.

همان طور که از ساخت هجای نخستین مشاهده می‌شود، یک خوشه دو صامتی □_۱ □_۲ دنباله آن را اشغال کرده است و با توجه به مصوت بلند هسته هجا، هجایی را در شعر فارسی ایجاد کرده است که طولانی‌تر از "هجای بلند" و حتی طولانی‌تر از "هجای کشیده" است. به دیگر سخن، صامت شماره ۲ در این خوشه یک عنصر ناهنجار بوده و اختلال عروضی فاحشی را در وزن شعر به وجود می‌آورد. نتیجه آن این است که هنگام خواندن بیت، صامت دوم از تلفظ ساقط می‌گردد و صامت اول یعنی □_۱ از هسته اصلی خود جدا شده و به قسمت درآمد هجای بعدی منتقل می‌شود و همزه / ? / را از آن قسمت خارج یا حذف می‌کند و خود به جای آن می‌نشیند. این تغییر را در نمودار زیر به طور عینی نشان می‌دهیم:

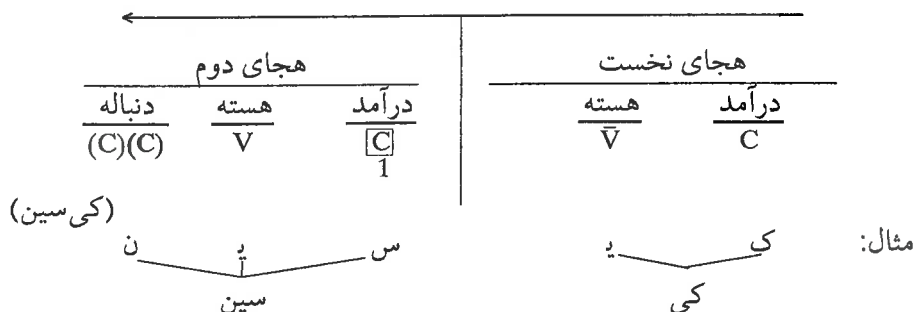
شکل ۲: نمودار توالی دو هجای در حال تغییر در حین خواندن

هجای دوم			هجای نخست		
دنباله (C)(C)	هسته V	درآمد □	دنباله □ □ _۱ □ _۲	هسته V	درآمد C
ن	ی		س	ی	ک

مثال:

در نتیجه سه نوع دگرگونی مذکور در بالا یعنی (الف) حذف □_۲ از دنباله هجای نخست، (ب) حذف □_۱ از آغاز هجای دوم و (ج) حرکت □_۱ و قرار گرفتن آن در قسمت درآمد هجای دوم، دو هجای متوالی مورد بحث در موقع خواندن بیت به صورت زیر تغییر می‌یابند:

شکل ۳: نمودار دو هجای، تغییر یافته



این گونه عواملِ هنجارگریزی وزنی ممکن است در رکن اول، دوم یا سوم هر یک از مصراعهای بیت رخ دهد. لذا توضیح آنها را به ترتیب توزیعشان در ارکان اول، دوم و سوم مصراع در زیر می آوریم:

توزیع الف: در این توزیع عامل غیرمجاز وزنی یا عامل هنجارگریزی غیرمجاز در داخل رکن اول مصراع واقع شده است، شبیه نمونه آن در مصراع زیر:
 "چون یکی است این بحر موج مختلف"

در جدول زیر، ضمن تجزیه مصراع به ارکان مربوط، هجابندی ارکان، تقطیع عروضی لازم و تعیین وزن شعری، ناهنجاری موجود و تغییر حاصل آن را در رابطه با سایر اجزاء مصراع نشان می دهیم:

شکل ۴: نمودار عامل هنجارگریزی و تغییر آن در رکن اول مصراع

۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	شماره هجاهای رکن
لِف	تَ	مُخ	ج	مَو	رِ	بِح	سین	کی	ی	چون	ارکان مصراع
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	تقطیع عروضی
فاعلُن			فاعلاتن			فاعلاتن			وزن		
						رکن اول					

به طوری که از شکل هندسی ت در هجای چهارم رکن اول ملاحظه می شود، صوت /ت/ که دومین صامت خوشه هجای قبلی است حذف شده و صوت /س/ که اولین

عضو خوشه است به قسمت در آمد هجای بعدی منتقل شده و به جای صوت همزه /أ/ یا /ؤ/ قرار گرفته است. در نتیجه دو هجای متوالی "کیست این" به صورت "کی - سین" تلفظ می شوند.

ابیاتی از عطار را که دارای این گونه هنجارگریزی وزنی در رکن اول مصراع خود هستند در زیر می آوریم و با کشیدن خط ذیل دو هجای تغییرپذیر آنها، صورت تلفظ آنها را نیز نشان می دهیم:

از چه <u>خاست و</u> از چه خشک و تر رسید خا - سو	چون <u>یکی است این</u> بحر موج مختلف کی - سین
گر رسم با خود خطا خواهم رسید	دی <u>است این</u> جاصواب هر دو کون دی - سین
تا به تو از همه کناره کنم	<u>نیست از</u> تو ام چه چاره کنم نی - سز
<u>نقطه ایست افلاک</u> از پرگار تو ای - سف	<u>ایست انجم</u> ز خورشید رخت ای - سن
چون از <u>اوست این</u> درد جانم خرم است او - سین	عالمی درد است بر جانم و لیک
خبر <u>یافت از</u> تو، وز خود بی خبر شد یا - فر	از این چندین بگردید او که ناگاه
جز تو <u>نیست اما</u> همه احسان ز تو نی - سم - ما	من نیم اما همه زشتی ز من

توزیع ب: در این توزیع عنصر غیرمجاز وزنی در رکن دوم مصراع رخ می دهد، نظیر وقوع آن در مصراع زیر:

"ظلمت مویش بتافت انکارگشت"

اکنون در جدول زیر چگونگی تقطیع مصراع و الگوی تغییر تلفظی عامل غیرمجاز را در رابطه با وزن شعر نشان می دهیم:

شکل ۵: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی در رکن دوم و نحوه تغییر آن

۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	شماره هجاهای رکن
گشت	ر	کا	فَن	تا	بِ	یش	مو	تِ	مَ	ظَلَّ	ارکان مصراع
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	تقطیع عروضی
فاعلن			فاعلاتن			فاعلاتن			وزن		
رکن دوم											

همان‌گونه که از شکل هندسی در داخل هجای چهارم رکن دوم ملاحظه می‌شود، هنگام قرائت بیت، لازم است صوت / ت / از پایان هجای "تافت" حذف گردد و اولین صامت خوشه CC یعنی صوت / ف / جایگزین همزه / ا یا اُ / در آغاز هجای بعدی یعنی "این" شود تا به صورت "فین" تلفظ گردد. و سرانجام عبارت "تافت این" به شکل "تا - فین" به تلفظ درآید.

اکنون ابیاتی از عطار را که دربرگیرنده این عنصر غیرمجاز در رکن دوم مصراع خود هستند و همین‌گونه تغییرات صوتی را در موقع خواندن شعر متحمل می‌شوند در زیر می‌آوریم. ضمناً صورت تغییر یافته هجاهای غیر مجاز را در زیر صورت اصلی آنها ارائه می‌دهیم:

ظلمت مویش	بتافت انکار	گشت	تا - فین
پرتو رویش	بتافت ا	قرار شد	تا - فین
هوش بشد از دل من کاو رسید	بخاست از	جگرم کاو نشست	خا - سز
ولی چون سر	بتافت اول	در این راه	تا - قو - ول

توزیع ج: در این توزیع عامل غیرمجاز وزنی در آغاز رکن سوم مصراع رخ می‌دهد، مانند:

"نی خطا گفتم ادب نیست آنچه گفتم جهد کن"

برای نشان دادن عنصر غیرمجاز به طور عینی و نحوه تغییر آن که در موقع خواندن در داخل رکن سوم اتفاق می‌افتد، به هجابندی ارکان و تقطیع عروضی مصراع بالا

می‌پردازیم و چگونگی فرایند آنها را در رابطه با ناهنجاری مورد بحث در جدول زیر نشان می‌دهیم. مصرع فوق برخلاف مصراعهای قبلی از چهار رکن برخوردار است که عنصر غیرمجاز در رکن سوم آن ظاهر شده است.

شکل ۶: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی در رکن سوم و نحوه تغییر آن

۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	شماره‌های رکن
کن	د	جه	تم	گف	چه	سان	نی	دب	آ	تم	گف	طا	خ	نی	ارکان مصراع
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	تقطیع عروضی
فاعلن		فاعلاتن				فاعلاتن			فاعلاتن			وزن			
رکن سوم															

ایباتی از عطار که در برگرفته این نوع هنجارگریزی در مصراع سوم خود هستند در زیر ارائه می‌شوند:

نی خطا گفتم ادب $\frac{\text{نیست آنچه گفتم}}{\text{نی - سان}} \text{ جهد کن}$
 تا پـریشانی نیارد زلف عنبرسان او
 هم زجسم و جان تو $\frac{\text{خواست این جهان و آن}}{\text{خا - سین}}$
 هم بهشت و دوزخ از کفر تو و ایمان توست
 برخاست شوری در جهان از زلف شورانگیز تو
 بس خون که از دلها $\frac{\text{بریخت آن غمزه خونریز تو}}{\text{ری - خان}}$

۲- ۴ الگوی دوم: در الگوی دوم عامل هنجارگریزی وزنی غیرمجاز عبارت است از خوشه دو صامتی "ست" یا /st/ که خود به دنبال یک صامت دیگر یعنی "ن" یا /n/ قرار می‌گیرد و جمعاً یک خوشه سه صامتی "نست" یا /nst/ را در قسمت دنباله هجا تشکیل می‌دهند و ساخت هجای کشیده‌ای را به صورت CCCVC[←] به وجود می‌آورند. این خوشه در پایان هجای فارسی پایدار نیست. عطار این خوشه سه صامتی را در پایان مصراعها به کار برده است اما در مکان دیگری مثلاً در وسط مصراع یا در پایان رکنهای اول و دوم قرار نداده است. لذا بعد از این خوشه، دیگر هجایی وجود ندارد و مختوم به

سکون می‌باشد.

تغییراتی که در موقع خواندن شعر بر این هجا اعمال می‌شود بدین قرار است: (الف) دو صامت "ست" یا /st/ در پایان مصراع (یا هجا) از تلفظ حذف می‌شود و از تقطیع وزنی نیز ساقط می‌گردد، (ب) صوت "ن" یا /n/ که عضو اول خوشه است طبق اختیارات شاعری تلفظ می‌شود اما در تقطیع عروضی به حساب نمی‌آید. علت آن این است که مصوتی که هسته این گونه هجا را اشغال می‌کند از گونه مصوت بلند /â/ یا /u/ است و /n/ که بعد از آن قرار گیرد آن را به یک هجای کشیده تبدیل می‌سازد. از این رو لازم است /n/ در تقطیع حذف می‌شود تا هجای معمولی بلند به دست آید.

از ویژگی خاص این عامل هنجارگریزی غیرمجاز این است که فقط در موضع پایانی مصراع اول و /یا دوم رخ می‌دهد و مصوت هسته هجای آن همیشه از نوع مصوت /â/ یا /u/ است. اکنون برای نشان دادن این عامل هنجارگریزی غیرمجاز به نحوی که در مصراع نمونه به کار رفته، جدولی را ارائه می‌دهیم تا بتوانیم تغییراتی را که، هنگام قرائت بیت، هجای پایانی مصراع متحمل می‌شود به طور عینی نمایش دهیم:

"عشق تو ز اختیار بیرون است"

شکل ۷: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی وزنی در پایان مصراع

۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۳	۲	۱	شماره هجاهای رکن
رون ست	بی	رِ	یا	تِ	اخ	زِ	تو	قِ	عش	ارکان مصراع
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	تقطیع عروضی
فَعولُن			مفاعِلُن			مفعولُ				وزن

اکنون ابیاتی را که از دیوان عطار جمع‌آوری شده و در برگرفته این نوع عنصر غیرمجاز وزنی هستند در زیر می‌آوریم و در عین حال، تغییرات هجایی را که اجباراً در خواندن بر آن اعمال می‌شود در ذیل هجای مربوطه نشان می‌دهیم:

پیش سگ کوی غلامت کنم	نی که تنی نیست دو من استخو $\frac{\text{انست}}{\text{خوان (-)}}$
گرد جان بر گرد چون پرگار کن	نقطه توحید با جان در $\frac{\text{میانست}}{\text{یان (-)}}$
در گذر زین هر دو در زنه‌ار او	دوزخ مردان بهشت دیگر $\frac{\text{انست}}{\text{ران (-)}}$
وصل تو ز انتظار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	عشق تو ز اختیار بیرو $\frac{\text{نست}}{\text{رون (-)}}$
چون کار تو از قرار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	چون با تو نهم قرار وصلت
هر لحظه ز صد هزار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	مرغی که در او فتد به دامت
سرگشتگی از شمار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	جانهای عزیز را در این درد
کز گردش روزگار بیر $\frac{\text{ونست}}{\text{رون (-)}}$	زان بُرد غم تو روزگارم
از پرده پرده دار بیر $\frac{\text{ونست}}{\text{رون (-)}}$	آنجا که حساب کار عشقست
کار تو ز وسع کار بیر $\frac{\text{ونست}}{\text{رون (-)}}$	بی کار مباد هیچ کس لیک
جمله ز حساب یار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	هرچ آن تو نهی به حيله برهم
از زحمت تخت و دار $\frac{\text{بیرونست}}{\text{رون (-)}}$	ای دل ره یار گیر، کاین راه

۳-۴ الگوی سوم: عامل هنجارگریزی غیرمجاز که در الگوی شماره سوم مطرح می‌گردد، عبارت است از یک صامت (C) اضافه که در پایان یک هجا قرار می‌گیرد و در هنگام خواندن مصراع، هم از تلفظ و هم از تقطیع ساقط می‌شود. هجایی که بعد از آن واقع می‌شود در قسمت درآمد خود دارای صامتی غیر از همزه / ? / است. لذا هجای قبلی نمی‌تواند اثری یا دستبردی بر آن داشته باشد. اما هجای مورد بحث، یعنی هجای ماقبل، در بخش دنباله خود ممکن است از سه وضعیت متفاوت برخوردار باشد، به صورت زیر:

شکل ۸: نمودار گونه‌گونی خوشه در پایان هجا

	دنباله	هسته	درآمد	
مثل: هَند، شانس	□n	v	C	۱-
مثل: حید	□	v	C	۲-
مثل: ایست	□C	v	C	۳-

در هر سه ساختِ هجای شکل بالا صامت □ که در مربع قرار داده شده، عنصر غیرمجاز است و در موقع خواندن به تلفظ نمی‌آید. اما در گونهٔ اول ممکن است پیش از عنصر غیرمجاز □ یک صامت غنه‌ای یعنی "ن" ظاهر شود. اگر مصوت هستهٔ هجا از نوع بلند باشد این / n / جزء اختیارات شاعری محسوب شده، در موقع خواندن تلفظ می‌شود لکن از تقطیع ساقط می‌گردد، مثل هجای "شانس" یا / šānas / که از هستهٔ بلند برخوردار است. از طرف دیگر ممکن است هستهٔ هجا با یک مصوت کوتاه اشغال شود، در این صورت / n / پیش از □ در خوشهٔ دو صامتی، بعد از هستهٔ جزء هجای بلند قرار می‌گیرد و دیگر از گونهٔ اختیارات شاعری محسوب نمی‌شود، مانند "ن" در هجای "هند" یا / hand / در عبارت "طفل راهند". در دو نوع هجای دیگر □ از انتهای هجا حذف می‌شود تا وزن شعر اصلاح گردد. در این صورت هجای شماره ۲ بدون دنباله می‌ماند که هجای باز نامیده می‌شود، اما هجای شماره ۳ در بخش دنبالهٔ خود هنوز یک صامت دیگر خواهد داشت. اگر هستهٔ آن بلند باشد صامتِ باقی‌مانده جزء اختیارات شاعری محسوب می‌گردد و اگر هستهٔ هجا کوتاه باشد، صامت مورد بحث جزء هجای بلند قرار خواهد گرفت.

اکنون یک نمونه از مصراع‌های در برگیرنده عنصر ناهنجار وزنی را در جدول زیر و در رابطه با نحوهٔ تقطیع عروضی مصراع و وزن آن نشان می‌دهیم. مصراع نمونه به قرار زیر است:

"عاشقان خود طفل راهند کس نیاید در بلوغ"

شکل ۹: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی در پایان هجای بلند یا کشیده

شماره هجاهای رکن	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	
ارکان مصراع	عا	شِد	قان	خود	طف	لِ	را	هند	کس	نَ	یا	یَد	در	بُ	لوغ	
تقطیع عروضی	—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	
وزن	فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلتن			

اکنون ابیاتی را که حاوی این گونه هنجارگریزی هستند در زیر می آوریم و تغییری را که هنگام قرائت شعر متحمل می شوند در ذیل آنها نشان می دهیم:

چون به ^{توحید} ذره را دفع اوفتاد
حیه (-)

خفته ای از خواب خوش بیدار شد

بادیه عشق تو بادیه ^{ایست} بیکران
ای (-)

پس به چنین بادیه کس به نشان نمی رسد

زلف ^{پریشانش} شکن کرده باز
شاه (-)

کرده پریشان شکنش صد سپاه

عاشقان خود طفل ^{راهند} کس نیاید در بلوغ
هن (-)

چون که در پستان عشق اندر، نشان شیر نیست

۴-۴ الگوی چهارم: هنجارگریزی وزنی غیرمجاز که در الگوی شماره ۴ طبقه بندی گردیده، عبارت است از یک واگرایی یا تباین وزنی بین یکی از ارکان مصراع اول و رکن متناظر آن در مصراع دوم. به دیگر سخن، به جای این که طبق قاعده عروضی، ارکان متناظر مصراع اول و دوم جفت جفت هم وزن باشند، یک جفت از این ارکان نسبت به هم غیرهم وزن می باشند. شماری از این پدیده های غیر هم وزن بین دو رکن متناظر نیز البته جزء اختیارات شاعری دانسته شده اند و لیست آنها در کتابهای مختلف آمده است لکن گونه ای که در ابیات عطار مشاهده شده از نوع آنهایی که قبلاً معرفی شده اند نیست و از این لحاظ می توان آن را جزو هنجارگریزیهای وزنی دانست مگر این که کارشناسان عروض این گونه تازه کشف شده را نیز در ردیف اختیارات شاعری قلمداد کنند.

به هر حال در این جا برای معرفی این گونه هنجارگریزی، بیت زیر را مورد بررسی قرار می دهیم:

"آنچه که از عشق تو معتکف جان ماست

گرچه بگویم بسی سوی زمان نمی رسد"

شکل ۱۰: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی وزنی به صورت

عدم هم وزنی دو رکن متناظر

۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	شماره هجاهای رکن	
ا	ن	چ	ک	ع	ت	ع	ق	ع	ا	ز	ک	چ	ا	ارکان مصراع	
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	تقطیع عروضی	
فاعلن				مفتعلن			فاعلن			مفتعلن			وزن		
مفاعلن				مفتعلن			فاعلن			مفتعلن			وزن		
—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	تقطیع عروضی
س	ر	می	ز	مان	ز	سوی	سی	ب	یم	گو	ب	چ	ر	گر	ارکان مصراع
۴	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	شماره هجاهای رکن

اکنون ابیاتی از عطار را که حاوی این گونه عامل هنجارگریزی وزنی هستند در زیر

می آوریم:

گرچه نشانه بسی است لیک دراز است راه

سوی تو بی نور تو، کس به نشان نمی رسد

عاشق دل خسته را تا نرسد هر چه هست

در اثر درد تو هر دو جهان نمی رسد

بادیه عشق تو بادیه ایست بی کران

پس به چنین بادیه کس به نشان نمی رسد

آنچه که از عشق تو معتکف جان ماست

گرچه بگویم بسی سوی زمان نمی‌رسد

سوی تو عطار را موی کشان برد عشق

بی‌خبری سوی تو موی کشان نمی‌رسد

۴-۵ الگوی پنجم: در الگوی پنجم عامل هنجارگریزی غیرمجاز عبارت است از نوعی اختلال در یک ترکیب دستوری برای رعایت وزن شعر و اصلاح خصوصیت موسیقایی آن. در واقع شاعر "کسره ترکیب" لازم را که در گروه‌ساختهای "صفت و موصوف" یا "مضاف و مضاف‌الیه" قرار دارد و یک عامل دستوری مهم در زبان فارسی محسوب می‌شود از قالب وزن شعر حذف می‌کند یعنی به تلفظ نمی‌آورد و بالطبع از تقطیع عروضی هم ساقط می‌گردد اما خواننده بالاچار باید آن را در زیرساخت عبارت و در مفهوم ترکیب در نظر بگیرد و به طور بالقوه آن کسره اضافه را به حساب آورد. این عامل هنجارگریزی که مستلزم حذف کسره اضافه است جزء اختیارات شاعری نیست و غیرمجاز دانسته می‌شود. اکنون برای مشاهده این‌گونه هنجارگریزی، مصراع زیر را از نظر ارکان، ترکیب هجاها و وزن عروضی در جدول ارائه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

"قوی مکن دل من مرده را به زندگی بی"

شکل ۱۱: نمودار وقوع عامل هنجارگریزی غیرمجاز به شکل حذف کسره اضافه

شماره‌های رکن	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۳	۴
ارکان مصراع	ق	وی	م	کن	د	ل	مَن	مُر	ده	را	به	زَن
تقطیع عروضی	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	U
وزن	مفاعِلُن			فَعَلاتِن			مفاعِلُن			فَعَلُن		

شکل لوزی \diamond نشانگر حذف کسره اضافه از تلفظ و تقطیع عروضی است چون جزء اختیارات شاعری نمی‌باشد. اکنون ابیاتی از عطار را که در برگیرنده این‌گونه

هنجارگریزی هستند در زیر می آوریم:

پنجه بگشادست شیرِ مرگ و توانی شدن
 گر تو $\frac{\text{رستم رسته‌ای}}{\text{رستم رسته‌ای}}$ از پنجه او در شکار
 از تو با هیچ باشم آگاهی
 گر کنم دست با $\frac{\text{میان کمرت}}{\text{میان کمرت}}$
 قوی مکن دل $\frac{\text{من مرده}}{\text{من مرده}}$ را به زندگی یی

که مرده‌ام من مسکین به زندگی صد بار
 کسره اضافه که در ابیات بالا بین "صفت و موصوف" یا "مضاف و مضاف‌الیه" قرار
 می‌گیرد یک نقش دستوری دارد و رابطه نحوی خاصی را برقرار می‌سازد و دو نوع
 گروه‌ساخت توصیفی و اضافی را ایجاد می‌کند، به همین دلیل نمی‌تواند در تلفظ حذف
 شود لذا حذف آن در نوع خود یک هنجارگریزی غیرمجاز محسوب می‌شود. در خط
 فارسی که برای مصوت‌های کوتاه ـَ ، ـِ و ـُ نمود حرفی یا نویسه معادلی وجود
 ندارد، و اهل زبان وجود این گونه رابطه نامرئی دستوری را براساس آشنایی قبلی و شم
 زبانی خود حدس زده و پیش‌بینی می‌کنند. اکنون که تلفظ آن تعادل وزنی شعر را برهم
 می‌زند، برای خواننده دو مشکل ایجاد می‌کند، یکی پیش‌بینی و حدس وجود یک کسره
 اضافه و دیگری حذف آن در تلفظ شعر برای رعایت وزن. در نتیجه می‌توان احتمال داد
 که خواننده ابیات فوق نمی‌تواند بدون تأمل و سنجش دقیق وزن و مفهوم ابیات، کیفیت
 معنایی و موسیقایی آنها را به سهولت دریافت نماید.

۵- نتیجه‌گیری

به طور کلی دو دسته هنجارگریزی وزنی در سروده‌های شاعران وجود دارد: یکی
 هنجارگریزی مجاز که در محدوده اختیارات شاعری قرار می‌گیرد و با وجود این که
 کاربرد آنها از نظر اهل فن مستحسن نیست ولی با اینهمه، شاعران کم و بیش از آنها
 استفاده می‌کنند و عطار نیز فراوان و مکرر آنها را به کار گرفته است. این گونه عناصر
 انواع بسیاری دارند و در کتابهای عروض و صنایع بدیع به تفصیل بیان شده‌اند.

دسته دیگر هنجارگریزهای وزنی از نوع غیرمجاز هستند که البته در حوزه اختیارات شاعری قرار نمی‌گیرند و شاعران معمولاً به استفاده از این عناصر غیرمجاز تمایلی نشان نمی‌دهند. چرا که در وزن و مشخصه‌های موسیقایی شعر اختلال ایجاد می‌کنند. این عناصر بالطبع در کُتب مربوط به وزن و قافیه یا صنایع بدیعی مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرند چرا که از انواع مشخص، طبقه‌بندی شده و قاعده‌مند برخوردار نیستند. و اساساً چون شاعران مجاز به استفاده از آنها نیستند، بنابراین بحث پیرامون آنها ضرورتی پیدا نکرده است.

با این وجود، بحث و بررسی درباره هنجارگریزهای وزنی غیرمجاز در قصاید و غزلیات عطار به دو علت، لازم و مهم دانسته می‌شود: یکی کاربرد وسیع و مکرر آنها که از بسامد بالایی برخوردارند که می‌توان آنها را خصیصه یا ویژگی سبک شعری عطار به حساب آورد و دوم اینکه می‌توان در بین گونه‌هایی از هنجارگریزهای او، مشخصه‌های نظام‌مند و با قاعده‌ای کشف کرد، به نحوی از ویژگیهای مشترک آنها تعمیم‌هایی به دست آورد و به روشی علمی آنها را طبقه‌بندی و توصیف کرد.

از این رو، می‌توان استنباط کرد که کاربرد هنجارگریزهای وزنی در اشعار عطار نمی‌تواند اتفاقی، اشتباه و یا از روی سهل‌انگاری بوده باشد، بلکه باید آنها را به عنوان ویژگیهای نادر سبکی عطار قلمداد کرد که با کاربرد پارادوکسهای بسیار مکرر او نوعی همبستگی، هماهنگی و سازش‌پذیری می‌یابند.

بازی لفظ و معنا یا وزن و مفهوم در قالب موسیقی خاص و تعبیرات ویژه سروده‌های عطار به مثابه مانعی است مستحکم و صعب‌العبور که در برابر خواننده سهل‌انگار قرار می‌گیرد تا او را از سرعت و سهولت بازدارد و به تأمل و تفکر، سنجش و تعمق مجبور سازد. شعر عطار، شعر ایرج و پروین نیست که از حلاوت، سادگی و زلالی آب روان برخوردار باشد. شعر عطار مالمال از مفاهیم پارادوکسی بقا اندر فنا است، هستی در نیستی است، فرزادگی در عین دیوانگی است، پر از چین و شکن‌های معنایی و مفهومی است. مستلزم چندین مرحله استفهام است. انسان همیشه فکر می‌کند به معنای آن پی برده‌است، ولی در واقع سهل و ممتنع است. مثلاً:

چون به اصلِ اصل در پیوسته بی تو جان تو
 پس تویی بی تو، که از تو آن تویی پنهان توست
 حتی گفتار به ظاهر ساده و روان او مستلزم تفکری عمیق است، تا مفهوم آن در صحنه
 تاریک و روشن ذهن تجزیه و تحلیل و دریافت شود، مانند این بیت ساده و روان که
 گوید:

کردیم همه کار ولی هیچ نکردیم دیدیم همه چیز ولی هیچ ندیدیم
 خوانندهٔ عجول از این ابیات چه می فهمد؟ آیا مفهوم روشن، عینی و سهل الوصولی در
 آنها می یابد؟ آیا به جز استادان ادب، متأملان در عرفان و عطارشناسان، دیگران هم
 می توانند به راحتی این ابیات را بخوانند و چون قند پارسی تعابیر شیرین آنها را در مذاق
 ذهنی و روحی خود مززه کنند؟

در واقع این هنجارگریزهای وزنی غیرمجاز که در این جا مورد بررسی قرار گرفت
 از نظر نگارنده جذبهٔ فکری، دامنهٔ توجه و عمق تأمل را در اشعار عطار افزایش می دهد و
 نوعی کندی و تأنی را در روند خواندن ابیات او ایجاد می کند و این کندی در حرکت
 خواننده و دیرگذری از پیچ و خمها و فراز و نشیبهای مفاهیم و اوزان (یا بهتر بگوییم) از
 تعبیرات و موسیقی خاص شعر عطار، فرصت لازم و زمان مناسب را برای خواننده
 فراهم می سازد تا با مفاهیم عمیق تر شعر و پیچیدگیهای وزنی او به کشمکش و کلنجار
 برخیزد و با آهنگی ملایم تر به سیر و سلوک شایسته در افکار و اندیشه های عرفانی عطار
 پردازد و بیش از پیش مفاهیم گستردهٔ عرفانی شعر او را ادراک و استنباط نماید، لذت
 برد و سرشار از تحسین گردد.

کتابنامه:

- 1- Abrams, M.H.; *A glossary of Literary Terms* (3 rd Ed.) Rinehart English Pamphlets 1971.
- 2- Brooks, Cleanth; *The Language of Paradox*, New Edition, 1974.
- 3- Cuddon, G.A.; *A Dictionary of Literary Terms*, Hazel, Wilson & Viney Limited, 1979.
- 4- Sebeok, Thomas (Ed.) *Style in Language*, The M.I.T.Press, 1960.

۵- خانلری، پرویز ناتل، وزن شعر فارسی انتشارات توس ۱۳۶۶، چاپ دوم ۱۳۶۷.

- ۶- دیوان شیخ فریدالدین عطار نیشابوری - حواشی و تعلیقات از م. درویش، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۵۹.
- ۷- شاه حسینی، ناصرالدین شناخت شعر، عروض و قافیه، تهران: نشر هما، ۱۳۶۷.
- ۸- شفیعی کدکنی شاعر آینه‌ها، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
- ۹- شمیسا، سیروس آشنایی با عروض و قافیه، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
- ۱۰- شمیسا، سیروس فرهنگ عروضی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
- ۱۱- شمیسا، سیروس کلیات سبک‌شناسی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۲.
- ۱۲- وثوقی، حسین ویژگیهای عبارتهای متناقض نما (یا پارادوکسی) و توصیف آنها در غزلیات عطار. مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز دوره دهم، شماره دوم، بهار ۱۳۷۴. ص ۳۳ تا ۶۵
- ۱۳- وحیدیان کامیار، تقی فنون و صنایع ادبی (عروض). وزارت آموزش، ۱۳۶۵ (برای سال چهارم فرهنگ و ادب).
- ۱۴- وحیدیان کامیار، تقی وزن و قافیه شعر فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷
- ۱۵- هادی، روح‌الله آرایه‌های ادبی (قالبهای شعر، بیان و بدیع). شرکت چاپ و نشر ایران: ۱۳۷۳.
- ۱۶- همایی، جلال‌الدین فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما، ۱۳۷۰، چاپ هفتم.